

هو العليم

دو بیان نوین و عمیق از امکان ملاقات خدا (2)

بیان دوم

برگرفته از آثار:

حضرت علامه آیه الله حاج سید محمد حسین حسینی تهرانی
قدس الله نفسه الزکیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ أَجْمَعِينَ
وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

تمام موجودات عالم آیات الهی اند

طریق و جهت دوم: استدلال دیگر [بر اینکه انسان می تواند به شرف ملاقات خدا برسد] این است که: قرآن مجید تمام موجودات را، از موجودات زمینی و آسمانی، موجوداتی که دارای نفس هستند و نیستند، اینها را «آیه» عنوان می کند و می گوید: اینها آیات خدا هستند.

ما اول برای شما آیه را معنی می کنیم تا اینکه ببینیم قرآن چه می خواهد بگوید، و اینها را که اسم آیه رویش گذاشته، به چه قسم می خواهد به ما معرفی کند.

آیه یعنی نشان دهنده و علامت. اما علامت: هر چیزی که شما در این عالم می بینید که علامت چیزی است، یک جهت خودی دارد، یک جهت علامتیت و آیتیت برای غیر دارد. پرچمی که در خانه می زنید، یعنی اینجا روضه است؛ این یک جنبه استقلالی دارد که این پرچم رنگش سبز است، چوبش فلان است، به اینجای دیوار کوفته شده است، در روی این پرچم چنین نوشته شده است، خطش از مرکب است یا از نخ دوخته شده؛ اینها جنبه های خصوصی آن پرچم است؛ اما یک جنبه آیتیت نیز دارد؛ این پرچم دلالت می کند که در این مجلس و این منزل، محفلی است. مردم به این مجلس دعوت می شوند؛ پس در این پرچم، یک جنبه آیتیت هست.

اما یک چیزی که به هیچ وجه من الوجوه جنبه خودیت نداشته باشد و جنبه ارائه غیر داشته باشد، آن آیه محض است. مثلاً شما فرض کنید ما یک عینکی داریم، با آن عینکمان تماشا می کنیم؛ باز این عینک یک خودی دارد، یک جنبه ارائه غیر دارد. جنبه خودیت این عینک چیست؟ اینکه این شیشه اش سفید رنگ است، به شکل دایره یا به شکل ذوزنقه است، این شیشه اش از فلان کارخانه است؛ اینها جنبه های خودیت است. جنبه ارائه غیر این است که فقط غیر را نشان می دهد. اگر انسان به جنبه خودیت این عینک بنگرد هیچ غیر را نمی بیند؛ مثلاً انسان عینک را تماشا کند، ببیند که این شیشه اش چه قسم است؟ آیا موج دارد یا ندارد؟ مال چه کارخانه ای است؟ شکلش چیست؟ اصلاً نمی بیند. وقتی که عینک را به چشم بزند و متوجه شیشه اش نباشد، با این شیشه متوجه غیر باشد، تمام موجودات را با آن می بیند. این جنبه ارائه است، جنبه آیتیت است، یعنی جنبه نشان دادن غیر.

لحاظ دو جنبه آلی و استقلالی در موجودات

آب صاف همین طور است؛ شما در یک استخری یا یک حوضی که آب صاف و آرام است، هیچ موج ندارد. بیاید کنار آن بایستید، می بینید به به! عکس تمام این درخت های کنار این دریاچه و کنار این استخر و حوض، و عکس ماه و خورشید و ستارگان و حتی عکس خودتان و افرادی که کنار آن دریاچه و حوض ایستاده اند، در آن حوض پیداست! این مال جنبه ارائه است که این آب چیز دیگر را نشان می دهد. ولی آب اگر خودی داشته باشد، یعنی خودنما باشد، مثلاً موج داشته باشد، یا آلوده باشد، دیگر نمی تواند غیر را نشان بدهد، عکس در آن آب منعکس نیست.

آئینه همین طور است؛ آئینه یک جنبه خودی دارد، اینکه جنسش از شیشه است، فلان مقدار وزن دارد، یک ماده ای به نام جیوه پشتش مالیده اند، اینها خودی های آئینه است. یک جنبه غیریت دارد که غیر را نشان می دهد. هر چه جنبه خودیت آئینه کمتر باشد، غیر را بهتر نشان می دهد...^۱

... آئینه خوب، آن آئینه ای است که هیچ این جهات در آن نباشد؛ جنبه خودیتش کم باشد، خود نشان ندهد. وقتی شما در آئینه نگاه می کنید، غیر از خودتان هیچ نبینید؛ شما را نشان بدهد؛ این می شود آئینه، این می شود آیه. این طور درست شد؟ این را خوب فهمیدید؟ این معنی آیه است؛ آیه یعنی فقط علامت و نشانه. قرآن مجید می گوید: تمام این موجودات آیه اند، آیه خدا. آیه خدا یعنی: آئینه خدا؛ یعنی چه؟ یعنی نشان دهنده خدا.

و این از اختصاصات قرآن است و خیلی عجیب است که قرآن مجید تمام این خصوصیات را می گوید: انحصار به ذات مقدس پروردگار دارد و همه اینها آیه است. این خیلی عجیب است که تمام اینها را منحصر به پروردگار می کند و همه را می گوید: آیه...^۲

اموری که خداوند در قرآن از آنها تعبیر به آیه می کند

در سوره بقره می خوانیم:

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾^۳

^۱ تفسیر آیه نور ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾، ص ۱۲۹ - ۱۳۱.

^۲ همان، ص ۱۳۱ - ۱۳۲.

^۳ سوره البقرة (۲) آیه ۱۶۴.

به‌به! چه خوب بیان می‌کند، می‌گوید: «در آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلافی که شب و روز با هم پیدا می‌کنند- بعضی اوقات روز کوتاه‌تر و شب بلندتر و بعضی اوقات به عکس است، و در نقاط مختلفه دنیا، در هر نقطه به کیفیت مخصوص، این دگرگونی و اختلاف مشاهده می‌شود- و این کشتی‌هائی که روی این دریاها حرکت می‌کند و مسافرین و مال‌التجاره را از این طرف به آن طرف حمل می‌دهد، و با باد این کشتی روی این آب‌ها حرکت می‌کند، اینها همه آیه است؛ این آب‌های رحمتی که ما از آسمان به صورت باران پائین می‌ریزیم، قطره قطره- یک مرتبه در آسمان را باز نمی‌کنیم و یک رودخانه کرج را روی سر مردم بریزیم- این آب‌ها را به صورت قطره قطره منتشر می‌کنیم، به صورت باران می‌ریزیم و زمین را زنده می‌کنیم بعد از اینکه مرده بود، و ما به وسیله این آب از هر جنبنده و دابّه‌ای در روی زمین برای شما خلق می‌کنیم، خلقت خود شما، هر جنبنده‌ای، اقسام حیوانات، پرندگان، طیور، ماهیان دریائی و نباتات و جمادات، تمام اینها به واسطه همین آب است؛ اینها همه آیه است؛ و این ابرهائی که بین آسمان و زمین مُسَخَّرند و به امر پروردگار به این طرف و آن طرف حرکت می‌کنند؛ و این بادهائی که می‌وزد از این طرف و آن طرف، زمین را خنک می‌کند، سرد می‌کند، ملایم می‌کند، تلقیح می‌کند، درختان را آبستن می‌کند، وظائف دیگری که دارد؛ تمام اینها آیات است، نشانه‌هاست؛ ﴿لَقَوْمٌ يَعْقِلُونَ﴾ برای آن افرادی که عقلشان را به کار می‌اندازند و اینها را آیه می‌بینند!»^۱

پس هرکس نگاه کند به هر موجودی از موجودات، خدا را دیده، و لقاء خدا از این روشن‌تر؟ این قدر آسان‌تر؟ به اندازه‌ای آسان است که انسان غیر از خدا را نمی‌تواند ببیند. آن کسی که با وجود این آیات می‌گوید: خدا نیست و غیر خدا هست. دیگر آن عین «عَمِيَتَ عَيْنٌ لَا تَرَاكَ عَلَيْهَا رَقِيبًا»^۲ و کور است...^۳

تفسیری زیبا از آیه شریفه ﴿سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْاَفَاقِ وَفِي اَنْفُسِهِمْ﴾

علی کل تقدیر، آیه عجیبی است در قرآن مجید می‌فرماید:

^۱ تفسیر آیه نور ﴿الله نور السموت و الارض﴾، ص ۱۳۴ - ۱۳۵.

^۲ الله شناسی، ج ۳، ص ۲۱۱، تعلیقه: «مرحوم آیه‌الله شهید حاج سید محمد علی قاضی طباطبائی- رضوان الله علیه- معلق محترم کتاب الفردوس الأعلى، تألیف آیه‌الله شیخ محمدحسین کاشف الغطاء- رضوان الله علیه- در تعلیقه خود بر این کتاب فرموده‌اند: "این کلمات درخشان با اندک تغییری، از عبارات دعای عرفه است که سیدالشهداء سلام الله علیه بدان دعا نموده‌اند، و سید رضی‌الدین بن طاووس (قدّه) آن را در کتاب خود اقبال نقل کرده است. "القاضی الطباطبائی. حقیر مفصلاً پیرامون این دعا در ج ۱ الله شناسی، از ص ۲۵۱ تا ص ۲۷۳ بحث کرده‌ام؛ و روشن شده است که از ادعیه ابن عطاء اسکندری متوفی در سنه ۷۰۹ می‌باشد. و حاصل سخن آنست که: این دعا دعای بسیار خوب با مضمون رشیق و عالی است و خواندن آن در هر وقت مساعدی که حال اقتضا کند، مغتنم و مفید می‌باشد؛ اما اسناد آن به حضرت سیدالشهداء علیه السلام جائز نیست؛ و الحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً»

^۳ تفسیر آیه نور ﴿الله نور السموت و الارض﴾، ص ۱۳۹.

﴿سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾
 ، أَلَا إِنَّهُمْ فِي مَرِئَةٍ مِّنْ لِّقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَّا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ ﴿﴾ یعنی ما به زودی آیات خود را به اینها نشان می‌دهیم
 در دو جا، یکی: در آفاق، یعنی در خارج از وجود خودشان، کوه و در و دشت و بیابان و سبزه و آب و خورشید
 و ماه و کشتی و باد و ابر و اختلاف شب و روز و زنها و مردها و بلبلان و حیوانات چرنده و درنده و ماهی‌های
 دریا و مرغ هوا، تمام اینها آیات پروردگار و آینه‌هائی است که ما قرار دادیم؛ آیه یعنی: آینه، تمام این موجودات
 آینه خدا هستند؛ هر کس یک آینه دست می‌گیرد و تماشا می‌کند. حالا شما فکر کنید خدا چه اندازه به ما آینه
 داده از این آیات؟! آخر هر یک از این آیاتی که ما با او خدا را می‌بینیم یک آینه است دیگر؛ یک آینه به دست
 ما نداده، به دست هر فردی در هر لحظه‌ای میلیاردها آینه داده! که با هر آینه‌اش می‌شود خدا را از جنبه‌ای دید
 و خداوند را ملاقات کرد و به شرف او رسید، اما اگر انسان آن موجود را موجود نبیند، آیه ببیند، آینه ببیند؛
 همین طوری که اگر شما می‌روید دکان آینه فروشی، آینه را می‌گیرید و خود آینه را می‌خواهید تماشا کنید،
 عکستان را نمی‌بینید، اما اگر بخواهید خودتان را ببینید دیگر انصراف از آیه و آینه پیدا می‌کنید و آن جنبه ارائه
 آینه را تماشا می‌کنید، همین طور به تمام موجودات به این نظر نگاه کنید! زید را می‌بینید او را نبینید، خدا را
 ببینید! عمرو را می‌بینید، درخت را می‌بینید، بلبل را می‌بینید، آب را می‌بینید، تمام اینها مظاهرنند، یعنی محلّ
 ظهور خدا است، یعنی این چیزی نیست، این ظهور خداست، «مَجَلِيَّ» یعنی محلّ تجلّی خداست، یعنی این
 چیزی نیست، خدا در این جلوه کرده، پس جز خدا چیزی نمی‌بیند. ما آیات را در آفاق و آنفس به آنها نشان
 خواهیم داد.

آنفس چیست؟ یعنی خودت را بنگر! از خارج بیا در نفس! خود نفس هم یک آیه‌ای است، یک آیه
 بزرگی است و بزرگ‌ترین آیه است و حتی بسیاری قائلند بر اینکه آیه نفس از سایر آیات مهم‌تر است و افرادی
 که از راه تفکر به نفس و توجه به نفس می‌خواهند به سیر کمالی خود ادامه بدهند، سریع‌تر و زودتر به مقصود
 می‌رسند؛ چون بالأخره با یک آینه بزرگ‌تری که توأم با ذات خود اوست و نزدیک‌تر از هر چیز به خود اوست،
 می‌خواهند پروردگار را تماشا کنند. ما آیات را در آفاق و آنفس به اینها نشان می‌دهیم تا اینکه بر اینها روشن
 بشود که او حقّ است و بس! چقدر لطیف می‌گوید: اگر به هستی تمام این موجودات مستقلاً نظر بکنید، همه
 باطلند، و خدا حقّ است و بس. در تمام عوالم (أَنَّهُ الْحَقُّ) خداست و بس! خدا زنده است، خدا علیم است،
 خدا حکیم است، خدا قدیر است، خدا خبیر است و در تمام موجودات اثری از این اسماء و صفات نیست.

﴿أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾؛ «آیا کافی نیست بر خدای تو اینکه او بر هر چیزی شهید
 است؟!»، یعنی اطلاع دارد و هیمنه و سیطره دارد و تمام موجودات در دستان با کفایت پروردگار قرار دارند و
 به لسان تکوین و وجود، در محضر او مشهود و مندرک در ذات او هستند.

نباید به لقاء خدا شک داشت!

﴿أَلَا إِنَّهُمْ فِي مَرِيَّةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ﴾ با وجود این آیات پس دیگر کسی نباید به خدا و لقاء او شک داشته باشد، چون تمام این آیات آفاقیه و آنفسیه دارند خدا را نشان می دهند، اما ﴿إِنَّهُمْ فِي مَرِيَّةٍ﴾ «این مردم در شکند.» که آیا خدا را می بینند یا نمی بینند؟ عجیب که این آیه: ﴿أَلَا إِنَّهُمْ فِي مَرِيَّةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ﴾ دنبال آن آیه است که می گوید: ﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ﴾؛ یعنی این ارائه آفاق و آنفس، این آیات آفاقیه و آنفسیه فقط برای لقاء است. تمام این آیات، آیات لقاء است، اما این مردم ﴿فِي مَرِيَّةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ﴾ ألا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ ﴿﴾ «آگاه باش! که خدا به هر چیزی محیط است» در هر چیزی که اسم آن را شیء و چیز می توانید بگذارید، پروردگار بوجوده و بأسمائه و صفاته بر آن چیز احاطه دارد و حقیقت آن چیز مندرک در اسماء و صفات خداست؛ یعنی خداست.

بنابراین، این آیه هم از آن آیه های بسیار عجیب قرآن است که جاهای بحث روی آن هست و خیلی انسان باید روی آن دقت کند و لقاء خدا را خوب این آیه برای ما ثابت می کند؛ و همچنین آیات دیگری که ما درباره آیات و نشانه های الهی، برای شما بیان کردیم.

خُب! بنابراین آیاتی هم که در عالم وجود هست، این آیات خدا را نشان می دهد؛ اما اگر انسان به تمام این موجودات به نظر آیتیت و مرآتیت ننگرد و آنها را مستقل ببیند، خدا را نمی بیند. اگر انسان به این آب، به این درخت، به این کوه به نظر آیتیت ننگرد، خُب خدا را نمی بیند، این را می بیند، و این سد راه لقاء خدایش می شود.

عده ای آیات الهی را می بینند ولی باز ایمان نمی آورند کما اینکه قرآن می فرماید: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۱، «در این چیز آیه بود؛ اما اکثریت مردم ایمان نیاوردند.» یعنی او را به عنوان آیتیت ندیدند، او را مستقل دیده اند، باید او را آیه ببینند، با او خدا را ببینند، اما اکثریت ندیدند. این آیه درباره بسیاری از پیغمبران که قوم خود را دعوت کردند آمده، ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ اکثریت ایمان نیاوردند.

﴿وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا﴾^۲ «اگر هر آیه را اینها ببینند ایمان نمی آورند.» یعنی آیه را آیه نمی بینند.
﴿وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ﴾^۳ «هر آیه ای از آیات خدا می آید که با آن آیه

^۱ سوره الشعراء (۲۶) آیه ۸.

^۲ سوره الأعراف (۷) قسمتی از آیه ۱۴۶.

^۳ سوره الأنعام (۶) آیه ۴ و سوره یس (۳۶) آیه ۴۶.

باید خدا را ببینند، اینها إعراض می کنند.» یعنی به آن آیه به جنبه استقلال می نگرند، نه به جنبه آیتیت...^۱

خداوند به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آیه کبرای خود را نشان داد

علی کلّ تقدیر، این آیات قرآن است که تمام این موجودات را آیه می گوید و همه اش را می گوید خدا ناماست؛ و درباره پیغمبر اکرم در شب معراج می گوید: ﴿فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى﴾^۲؛ «خداوند به پیغمبر اکرم آیه کبری را نشان داد.» یعنی آن آیه ای که از همه بزرگ تر است؛ چون تمام موجودات آینه هستند، اما آینه ها فرق دارد. شما آینه در دستتان می گیرید کوچک است فقط با آن دندانان را می بینید، یک آینه بزرگ تر است دهانتان را می بینید، یک آینه بزرگ تر است صورت، یک آینه بزرگ تر است نیم تنه، یک آینه بزرگ تر است تمام قد، آینه تمام نما، یک آینه ای فرض کنید که شما در مقابل خودتان بگذارید و درون بدنتان را هم ببینید، سلول هایش را هم ببینید، جریان خون و ضربان قلبتان را هم ببینید، یک آینه ای فرض کنید که جلوی خودتان قرار بدهید، فکر خودتان را هم بخوانید، مقدار علوم و قدرت و شجاعت شما هم در آن آینه نشان داده بشود؛ آینه ها فرق می کنند. تمام عالم وجود آینه است، «ای آفتاب آینه دار جمال تو»^۳ آفتاب هم یک آینه دار جمال خداست؛ اما یک آینه هست که هر چه هست، در او مشهود و هویداست، و آن آینه بزرگ است.

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم رسید به آن مقامی که خداوند آن آینه کبری را به او نشان داد؛ یعنی وجود او را در اسم اعظم و اولین تجلی و در مقام احدیت مندک و محو کرد؛ و از نقطه نظر مقام واحدیت، آن آینه خدا را نشان می دهد، یعنی ذات مقدس پروردگار را؛ در آن ذات فانی شد، و در مقام بقاء به اسم واحدیت متحقق شد، که تمام موجودات و این آیات همه در آن اسم مندک است. آن آینه از طرفی ذات را نشان می دهد و از طرفی در آن آینه و در آن اسم تمام این آینه ها و تمام این آیات مندک است. و عجیب آیه ای است ﴿فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى﴾.

انسان یا خودبین یا خداین است

خُب! پس بنابراین ما امشب از این دو طریق استدلال کردیم که قرآن مجید بالصراحه می گوید: لقاء خدا هست: یکی از ناحیه آیات و نشانه ها؛ یکی از ناحیه همان آیاتی که دلالت می کرد بر انحصار سمع و بصر و علم و قدرت و ... در ذات مقدس پروردگار؛ که بایستی انسان در مقام علم و عمل یک کمی حرکت بکند تا اینکه کم کم به حول و قوه خدا جنبه های خودبینی از او بیرون برود و جنبه های خدا بینی پیدا بشود.

^۱ تفسیر آیه نور ﴿الله نور السموت و الارض﴾، ص ۱۴۰ - ۱۴۳.

^۲ سوره النازعات (۷۹) آیه ۲۰.

^۳ دیوان حافظ، طبع پژمان، غزل ۴۱۶:

ای آفتاب آینه دار جمال تو *** مشک سیاه مجمره گردان خال تو

حقّ بین نظری باید، تا روی تو را ببیند *** چشمی که بَوَد خود بین، کی روی تو را ببیند^۱

هرچه از خودبینی کم بشود به خدا بینی اضافه می شود، و هر چه به خودبینی اضافه بشود جنبه آیتیت کم می شود، انسان خدا را نمی بیند. شما آینه خیلی خوب را دست بگیر و خرابش کن، پشت جیوه اش را چیزی بمال و خراش بده، این قدر در این آینه خطوط نامناسبی پیدا می شود که شما بعضی اوقات صورت خود را نگاه می کنید وحشت می کنید، آینه را زمین می زنید، می شکنید، آینه دیگر نیست. انسان هم در اثر معصیت همین طور می شود، آن قدر جنبه خودبینی و استکبار و استقلالش زیاد می شود، که دیگر نمی تواند خدا را نشان بدهد، اما در جنبه طاعت اگر برود جلو، این خودبینی اش کم می شود و خدا بین می شود.^۲

۱ دیوان اشعار سید عماد الدین نسیمی.

۲ تفسیر آیه نور ﴿الله نور السموت و الارض﴾، ص ۱۴۴-۱۴۵.